



آشنبه

۰۵ دی ۱۳۹۸
۲۵ ربیع الثانی ۱۴۴۱
شماره ۳۰۰۰

ویژه شماره ۳۰۰۰

یادداشت

زیر سقف شهر



توحید ارشیانیا
مردم‌دور

۱- روزنامه‌ای که به سه‌هزارمین شماره‌اش می‌رسد نه خیلی بزرگ شده است نه آن چنان طفلی است که نتواند روی پای خویش بایستد. سه‌هزارمین یعنی هنوز تازه چراغ‌های نخست مسیر روشن شده است.

هنوز برای اینکه بخوایم به ۱۰ هزار و ۲۰ هزار برسیم راه زیادی باقی مانده است و ما هنوز در ابتدای این مسیریم. مسیری که هم سختی دارد هم شیرینی، دشواری دارد و آسانی. اما همه ما که این روزها صبحمان را به شنب می‌رسانیم، با سختی‌ها و دشواری‌هایش می‌جنگیم و در تلاشم که شهر را بیش از گذشته و بهتر از روزگار قبل وارد هزاره جدید خویش شود.

وفا کنیم و ملامت کشیم و خوش باشیم که در طریقت ما کافر یست زنجیدن
۲- سه‌هزارمین شماره یعنی ما میراث‌دار تلاش کسانی هستیم که روزگاری مثل ما رنجیده‌اند تا این نهال روزبه‌روز ثاورت شود و روزبه‌روز بیشتر ثمر دهد. امروز شهر را یک میراث تاریخی برای مشهد است و چه کسی حاضر است تیشه به ریشه فرهنگ و هویت شهرش بزند؟ شهر را از همان روزگار بنای مردم داشته است و باید با بنای مردم زندگی کنند. باید با درد مردم دردش بگیرد و با خوش حالی آن‌ها لبخند بزند. شهر را برای مردم مشهد باید آینه‌احوال مردمان شهرش باشد، باید صدای مردمی باشد که صدایشان به جایی نمی‌رسد، فریادشان را کسی نمی‌شنود و کم‌رسان زیر بار مشکلات، روزبه‌روز خمیده‌تر می‌شود. شهر را باید صدای همه مردم مشهد باشد.

عهد ما با بل شیرین ده‌تانه است خدا
ما همه بنده و این قوم خداوندان اند
۳- اما این روزگار که رسانه‌های کاغذی نفس‌های آخشان را می‌کشند و دیر زمانی نیست که دیگر نشانی از آن‌ها نباشد چه باید بکنیم؟ البته که نباید از یاد برد که همه ما برای این روزگار مقصریم. برای آینده‌ای که دیگر روزگارش پر از پاشنه تحلیل و خبرهای داغ سر صبح نمی‌چرخد. دیگر خبرهایش نه آن چنان موق است و نه آن چنان عمیق. باید همه بیشتر به فکر باشیم. به فکر شهر اراه‌های شهرمان باشیم. به فکر همه آن‌هایی که از هفت‌خان می‌گذرند تا آنچه پیش روی شمانست بیشتر بر دل بنشیند. اینکه نباید در نمی‌شود و نبوده است و نیست علاج درد نمی‌شود. هنوز آخرین بارقه‌های امید را همین رسانه‌های محلی به دوش می‌کنند، رسانه‌هایی که صدای کف کف جامعه را بلند بلند فریاد می‌زنند. از طبری سوم گرفته تا آخر هاشمیه. از بولوار فرودگاه تا انتهای اندیشه. شهر را برای همه مردمی است که زیر سقف این شهر زندگی می‌کنند.

ز گریه مردم چشم‌نمشسته در خون است ببین که در طلبت حال مردمان چون است
۴- اگر بی تفاوت باشیم؟ دقیقاً نقطه آغاز برای پایان. همین بی تفاوتی است. نباید بی تفاوت باشیم به فروپاشی جامعه، به دروغ‌های وقت و بی‌وقت، به ندامادی پوسیده همه ما در قبال آنچه پیرنومان می‌گذرد مسئولیم و مقصر. باید فکری به حال این روزهایمان بکنیم، برای روزگاری که بی‌تفاوتی نسیم مهلکی است که هر جامعه‌ای را از پای درمی‌آورد.

دست کم ما نمی‌خواهیم در گذر زمان دچار بی‌تفاوتی شویم. درست است که نمی‌توانیم به آن‌هایی که هر روز صبح بسته‌های شهر را از ما می‌خواهند پاسخی درست دهیم، زمانی بگوییم و نشانی درستی دهیم، اما هنوز همین جماعت قلم به‌دست با چنگ و دندان آخرین سنگر را حفظ کرده‌اند. برای گرم‌های این روزها باید چارهای اندیشید اما چه کسی؟ کی؟ کجا؟ خدا می‌داند.

دی می‌شد و گفتم صنما عهد به جای آر
گفتا غلطی خواجه در این عهد و فانیست

۵- هر سختی و دشواری فرصتی است برای بهتر زیستن و برای بهتر بودن. ما باید آینده را بسازیم. آینده هزاره جدید شهر را، شهر را را یکی که بهتر از قبل زیست کند و بهتر از قبل رشد. من آرزو می‌کنم ای کاش می‌شد شهر را را بهتر از آنچه هست برای آیندگان حفظ کنیم. باید کاری کرد که شهر را برای مردم باقی بماند و اگر این مدیر آمد و آن مدیر رفت، اگر فلان جریان سیاسی آمد و فلان جریان سیاسی رفت، شهر را آسیب نبینند.

در بیابان گر به شوق کعبه خواهی زد قدم
سرزنش‌ها کند کار مغیلان غم مخور



رسانه شهری نگاه میکروسکوپی

ویژه‌نامه شهر آ را به مناسبت انتشار سه هزارمین شماره با آثار و گفتاری از عباس عیدی، محمد رضا زاتری، آرش خوشخو

گزارش

با همه توان برای مشهد

مروی کوتاه بر تأثیرگذاری شهر آ را برای حل و فصل مشکلات پایتخت معنوی ایران

تارسیدن به همان رودخانه اساطیری راه‌دروازی دارد اما خوشبختانه امسال و با ورود استاندار و مدیریت شهری به پرونده کشف‌رود و اختصاص اعتبار دویست میلیارد تومانی، می‌توان امیدوار بود که مدیریت شهری در این راه کار کردی ویژه را دنبال خواهد کرد.

● شاهنامه‌ای که دوباره به فردوسی رسید

صبح یکی از روزهای خرداد سال ۱۳۹۰ بود. بزرگ ترین نقاشی دیواری کشور که تصاویری از شاهنامه را در دل خود داشت، یک شبه محو و دیوارهای بزرگش توسط مدیریت وقت املاک و اراضی آستان قدس سفید شد! با این اقدام و از اولین شماره پس از انتشار اخبار این رویداد، روزنامه شهر آ را با خبری پرشماره به نقد عملکرد یادشده پرداخت و به همراه دیگر رسانه‌ها، موج خبری بزرگی را پیگیری کرد که حاصل آن پس از ۶ سال به ثمر نشست و دیوار دوباره با نقوش شاهنامه رنگین شد. ما در راه ایفای وظیفه خود، به لطف پیگیری‌های خبرنگاران، در بسیاری از پرونده‌های دیگر هم مشارکت داشته‌ایم: پرونده بولوار نماز که برای راهگشایی‌اش و رفع گرّه ترافیکی شهر، ما نیز مشارکت کردیم. برای پرونده انتقال گاز به توس که از سال ۸۸ آغاز و تا سال ۸۹ ادامه یافت، پروژه باغ موزه دفاع مقدس که اگر چه هنوز به فرجام نرسیده است پیگیری مطالبه‌اش ادامه دارد، کتابخانه مرکزی مشهد،

به مشهد و حریمش شد که از سال ۸۵ تاکنون ادامه دارد. اردیبهشت ۹ سال قبل بود که معاون اول رئیس‌جمهور سابق مصوبه شهرستان شدن این ۲ بخش را ابلاغ کرد و به دنبال آن، در آخرین روز از سومین ماه همان سال با قطعی شدن این جدایی، این بار نیز مادر شهر آ را به تنهایی پرچم‌دار اعتراض به این تغییر شدیم. تغییری که با شمار فراوانی خبر و گزارش و پیگیری از سوی ما آغاز شد و امروز کار به جایی رسیده است که برخی تغییرات دوباره به مشهد بازگشت. البته هم‌اکنون نیز به دلیل برخی مصلحت‌اندیشی‌ها، فعلاً تغییرات در مناطق مورد اختلاف مسکوت مانده است اما ما به خود می‌بالیم که اگر روزنامه شهر آ را وارد ماجرای حریم مشهد نمی‌شد، شاید امروز وضعیت آنچه برای مشهد مانده بود خیلی غم‌انگیزتر از وضعیت فعلی می‌بود.

● تلخی یک کارخانه قدیمی!

ماجرای کوچ کارخانه قند آبکوه را از سال ۸۷ آغاز کردیم، یعنی از زمانی که هنوز هفته‌نامه شهر آ را به دست شهروندان می‌رسید. ماجرا در مورد کارخانه پر از آلودگی قند آبکوه آغاز شد و تا زمان تعطیلی این کارخانه در سال ۹۵، بسیار پرشمار ادامه داشت. این کارخانه قدیمی و فرسوده در محله جانباز مشهد قرار دارد و ۸۴ سال قبل، توسط شرکت «اشکودا»-ی چکسلواکی تأسیس شده بود.

● سهم «ما» از کشف‌رود

از سال ۸۸ برای رفع آلودگی‌های کشف‌رود پای کار بوده‌ایم و تاکنون در این مورد بیش از ۴۰۰ خبر، گزارش و گفت‌وگو منتشر کرده‌ایم. البته کشف‌رود

مازنیار فرید! شاید به زبان، ساده به نظر برسد اینکه ۳۰۰۰ شماره دوام بیاوری و به شهادت اهل فن، بودند هم غنیمتی باشد برای رفع برخی مشکلات و گرفتاری‌های شهر و شهروندان. اصلاً مسئله خودشیفتگی در میان نیست. «ما» ۳۰۰۰ شماره است که مستمر و بدون توقف، فارغ از جنگ گرانی کاغذ و مشکلات متعددی که پیش رویمان بوده است، دوام آورده‌ایم و قرار هم نیست با پس بکشیم.

● روزی که «ما» ساختیمش

۲۱ آذر سال ۸۹ بود که سید جلال فیاضی به عنوان مدیر مسئول اسبق شهر آ را دست‌به‌قلم شد و در مورد روز ملی مشهد نوشت. بعد از آن بود که شورای شهر در صحن علنی، این روز را برررسی کرد. بلافاصله بعد از آن، فراخوانی مردمی برای انتخاب مناسبت ویژه روز مشهد توسط شورای شهر برگزار شد. تنور این روز هم گرم شد و از نمایندگان ولی فقیه در استان، تا امام جمعه مشهد، ۲۰ تن از نمایندگان مشهد در مجلس و حتی رئیس مجلس شورای اسلامی در این مورد اظهار نظر و بر تحقق آن تأکید کردند. در ادامه و در سال ۹۴، شورای فرهنگ عمومی استان طی جلسه‌ای به کلیات انتخاب روز ملی مشهد رای مثبت داد و به دستور استاندار سابق خراسان رضوی، کمیته‌ای تخصصی برای این مهم تشکیل شد. در نهایت، شهریور امسال، ۳ پیشنهاد نهایی برای روز ملی مشهد از سوی مرکز پژوهش‌های شورای شهر مطرح شد. آنچه مشخص است این است که این راه به آخرین ایستگاه خود بسیار نزدیک شده است و خیلی طول نخواهد کشید که روز ملی مشهد نیز به فرجام انتخاب برسد، روزی که افتخار بزرگ انتخابش برای روزنامه شهر آ را می‌ماند، روزنامه‌ای که آغازکننده این راه بود.

● آبروی حریم، آبروی مشهد

تبدیل ۲ منطقه ییلاقی طربقه و شاندیز به شهرستان منشأ نظامیاتی

زمانی که شمارگان روزنامه شهر آ را به ۲۵۰۱ رسید، صفحه گردشگری پس از توقفی سه‌ساله، دوباره متولد شد تا از جاذبه‌ها و دافعه‌های شهری بگوید که مقصد زائران و مسافران بی‌شماری از سراسر جهان است. سپس کوله بستیم و شما را همراه خود به گوشه و کنار استان بردیم. زیبایی‌ها را تیتیر کردیم و مشکلات را روی میز چیدیم تا شاید در میزگردی در کنار مسئولان حل شود. حال به پنهان رسیدن به سه‌هزارمین شماره می‌خواهیم دوباره این مسیر را مرور کنیم و با نگاهی به مهم‌ترین گزارش‌های صفحه گردشگری، گام‌های آینده را استوارتر و با توشه بهتر برداریم.

● توجه به سنگ‌نگاره‌های چند هزاره‌ساله

«پارک ملی، راه نجات سنگ‌نگارها» عنوان گزارشی بود که در تاریخ ۱۳ شهریور ۹۸ در شهر آ منتشر شد. روایت وضعیت اسفناک سنگ‌نگارهای چند هزاره‌ساله در منطقه طربقه‌شاندیز ایجاد پویشی برای نجات سنگ‌نگارها را در پی داشت. پس از یک جلسه نشست سمن‌ها و دوستان‌ان میراث فرهنگی در بازار کتاب گلستان که به دعوت شهر آ برگزار شد، قرار یازدیدی به منطقه دیزر شاندیز

جلوگیری از تخریب خانه‌های تاریخی، حاشیه شهر مشهد، یافت اطراف حرم، احداث شهرک پسماندهای ویژه و صنعتی، اجرایی شدن طرح کاداستر اراضی ملی، ایجاد پایگاه مدیریت بحران استان، قطار برقی مشهد-تهران و ... تلاش‌های بسیاری کردیم. پیگیری مطالبات مردمی در قالب گزارش‌های «تربیبون مردمی» و «سرزده» که با استقبال گسترده مردمی، برخی رسانه‌ها را نیز به آغاز شیوه و روش شهر آ مجاب کرد و ده‌ها پیگیری دیگر، همه و همه، باعث شد امروز به راهی که رفته‌ایم -به رغم تمام نواقضش- افتخار کنیم.



روایت

از مسیر صعب ثبت سنگ‌نگاره‌ها تا مشکل آمارهای اشتباه

نگاهی گذرا به موضوعاتی که با پیگیری صفحه گردشگری تبدیل به مسائل شهر شد

چندین تابلو به تابلوهای شهر افزوده شد.

● مشکل آمارهای اشتباه

دقیق بودن آمار زائران و گردشگرانی که به مشهد سفر می‌کنند به دلیل تأثیری که بر تمامی تصمیمات حوزه گردشگری می‌گذارد موضوع مهمی است که صفحه گردشگری شهر آ را اولین شماره خود را در تاریخ ۱۶ اسفند ۹۶ به آن اختصاص داد. بعدنیز در ۳ شماره دیگر به صورت مفصل خطاهای آماری این محاسبات و آثار آن را بررسی کرد. گرچه این مشکل هنوز برطرف نشده، مطرح شدن این بحث و تشکیل چندین جلسه در پژوهشکده گردشگری جهاد دانشگاهی و... با حضور مسئولان، امید به اصلاح این موضوع را افزایش داده است.

● خانه‌های تاریخی می‌مانند

اکنون ۲۰۶ خانه تاریخی در بافت مشهد وجود دارد که

متأسفانه بیشتر مالکان این خانه‌ها به دلایل گوناگون، به جای حفظ، تمایل به تخریب خانه دارند. پس از تهیه گزارش‌های متعدد از کاربری‌های متنوعی که خانه‌های تاریخی مشهد می‌توانند داشته باشند، همچون تبدیل به خانه ادبیات، رستوران و اقامتگاه بوم‌گردی، و همچنین گفت‌وگوهای مکرر با برخی از مالکان خانه‌های تاریخی، تلاش کردیم ضمن جلب نظر مالکان به حفظ خانه، آن‌ها را برای تغییر کاربری خانه راغب کنیم. خانه مرحوم فرخ به عنوان خانه ادبیات، خانه پیشه‌وران به عنوان سفره‌خانه سنتی و خانه کوزه‌کنانی از جمله خانه‌های موفق در این زمینه بوده است.

● نهضت مرمت بازارهای قدیم مشهد

بی‌توجهی به بازارهای قدیمی مشهد و نبود یک بازار ویژه صنایع دستی و سوغات از جمله گزارش‌های پیگیرانه صفحه گردشگری شهر آ را بوده است که خوشبختانه به تازگی با آغاز نهضت بهسازی بازارهای فرش، سرشور، سراب و... و همچنین ایجاد بازاری ویژه صنایع دستی و سوغات می‌توان گفت عاقبت به‌خیر شده است.